



بنیاد هریتیج منتشر کرد:

آمریکا و راه شکست القاعده و مهار ایران

مهمترین منفعت امنیت ملی ایالات متحده در یمن، شکست القاعده در جزیره العرب و در عین حال، پشتیبانی از تلاش‌های اعراب برای حمایت از حکومت یمن است که مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته است، حکومتی که بیشتر درگیر مبارزه با شورشیان حوثی تحت حمایت ایران است تا القاعده در جزیره العرب. واشنگتن نیز باید برای مهار نفوذ ایران در یمن تلاش کند، اما این مهم به احتمال زیاد از رهگذر توافقی سیاسی برای فرو نشاندن نبرد به دست می‌آید و بسیار بعید است که پیروزی نظامی حکومت ضعیف یمن و متحدان عربی آن بتواند این امر را محقق سازد.

گزارش آمریکا باید برای شکست القاعده و مهار ایران از یک توافق سیاسی در یمن حمایت کند نوشته جیمز فیلیپس توسط بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است. بدیهی است مندرجات این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیست و ترجمه و انتشار این گزارش‌ها با هدف آگاهی استراتژیست‌های ایرانی از گزارش‌های اندیشکده‌های جهان صورت می‌پذیرد. نکات کلیدی این گزارش به شرح زیر است:

نکات کلیدی

نابسامانی و آشوب در یمن به القاعده در جزیره العرب اجازه رشد و گسترده شدن داده است تا بدل به یکی از جدی‌ترین تهدیدات تروریستی متوجه ایالات متحده شود.

دولت ترامپ باید حملات هوایی، حملات پهبادی و عملیات‌های ویژه خود را علیه رهبران القاعده در جزیره العرب شدت ببخشد.

منازعه و درگیری یمن هرچه بیشتر طول بکشد، القاعده در جزیره العرب نفع بیشتری می‌برد و حوثی‌ها وابستگی بیشتری به حمایت ایران پیدا خواهند کرد.

یمن، دولتی شکست‌خورده و درگیر یک جنگ داخلی تلخ است، که مورد تاخت و تاز گروه‌های تروریستی و شورشی‌های متعدد قرار دارد.

مهمترین منفعت امنیت ملی ایالات متحده در یمن، شکست القاعده در جزیره العرب و در عین حال، پشتیبانی از تلاش‌های اعراب برای حمایت از حکومت یمن است که مورد شناسایی بین‌المللی قرار گرفته است، حکومتی که بیشتر درگیر مبارزه با شورشیان حوثی تحت حمایت ایران است تا القاعده در جزیره العرب. واشنگتن نیز باید برای مهار نفوذ ایران در یمن تلاش کند، اما این مهم به احتمال زیاد از رهگذر توافقی سیاسی برای فرو نشاندن نبرد به دست می‌آید و بسیار بعید است که پیروزی نظامی حکومت ضعیف یمن و متحدان عربی آن بتواند این امر را محقق سازد.

دولت یمن که در پی اعتراضات بهار عربی سال ۲۰۱۱ علیه فساد و حکمرانی ضعیف فروپاشید، بدل به جولانگاه جناح‌های متخاصم و مداخله قدرت‌های خارجی رقیب شد. علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور پیشین یمن که روزگاری گفته بود که حکومت بر یمن مانند رقص روی سر مارها است، در پی اعتراضات سال ۲۰۱۲ از قدرت کنار گذاشته شد. او سپس برای سرنگونی عبدربه منصور هادی، جانشین خود، به شورشیان حوثی تحت حمایت ایران پیوست که در حکومت خود از سال ۲۰۰۴ گاه و بیگاه با آنها جنگیده بود، و در سپتامبر ۲۰۱۴ توانست صنعا، پایتخت یمن، را تسخیر کند.

منصور هادی به عربستان سعودی گریخت و در سال ۲۰۱۵ با حمایت ائتلاف نظامی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی و امارات متحده عربی به یمن بازگشت. با اینکه ائتلاف نظامی کشورهای عربی در جنوب یمن، کارزار کارآمد و واقع‌بینانه‌ای علیه القاعده در جزیره العرب به راه انداخت، عربستان سعودی موفقیت چندانی در عقب راندن نیروهای حوثی که قلمرو کوهستانی مرکز و غرب یمن را تسخیر کرده بودند، به دست نیاورد. ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با بن‌بست مواجه شده است. بیش از ۱۰ هزار شهروند یمنی در جنگ کشته شده‌اند و فاجعه‌ای انسانی به وقوع پیوسته است. بر اساس برآوردها، بیش از ۶۰ درصد از یمنی‌ها - چیزی بیش از ۱۷ میلیون نفر - در خطر قحطی قرار دارند.

یمن که زادگاه آبا و اجدادی اسامه بن لادن است، مدت‌های مدید یکی از کانون‌های افراط‌گرایی خشونت‌طلب و حمایت از القاعده بوده است. (۱)

نخستین حمله تروریستی القاعده علیه آمریکایی‌ها در دسامبر ۱۹۹۲ در یمن اتفاق افتاد و این سازمان تروریستی در اکتبر ۲۰۰۰ نیز به حمله‌ای مرگبار دست زد و در جریان انفجار کشتی یو.اس.اس کول در بندر عدن، ۱۷ ملوان آمریکایی را به قتل رساند. القاعده در جزیره العرب پیشگام استفاده از بمب‌های پیچیده‌ای بوده که شناسایی آن‌ها دشوار است، مانند موردی که در آن فرد تروریست بمب را در لباس زیر خود جاسازی کرده بود اما نتوانست در روز کریسمس سال ۲۰۰۹ در هواپیمای در حال پرواز بر فراز شهر دیترویت آن را منفجر کند. تخصص القاعده جزیره العرب در ساخت بمب موجب اقدامات و پیشگیری‌های امنیتی شدیدتر در پروازهای تجاری شد و این سازمان همچنان یکی خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی جهان محسوب می‌شود. (۲)

سیاست ایالات متحده برای لانه مار یمن

جنگ داخلی یمن، مانند جنگ‌های داخلی در لیبی، سوریه و سومالی، محیط امن و مطلوبی برای گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا ایجاد کرده است. دولت‌های جرج بوش پسر و باراک اوباما در تعامل با حکومت صالح، او را تشویق کردند که

موضع تقابلی تری در برابر القاعده اتخاذ نماید. نیروهای عملیات ویژه آمریکایی به تعلیم و آموزش نیروهای نخبه ضد تروریسم یمن پرداختند، اما بعد از سقوط حکومت یمن، این همکاری و تعامل پایان یافت.

دولت اوپاما بعد از مداخله سال ۲۰۱۵ به رهبری عربستان سعودی، اطلاعات، پشتیبانی لجستیکی و سوخت‌گیری هوایی در اختیار نیروهای ائتلاف کشورهای عربی گذاشت، اما پس از آن که کارزار هوایی عربستان سعودی به خاطر تلفات سنگین غیرنظامی مورد انتقاد قرار گرفت، کاخ سفید جلوی انتقال سلاح‌های نقطه‌زن را گفت و حمایت اطلاعاتی خود را متوقف کرد.

دولت ترامپ توقف انتقال سلاح و مهمات را لغو کرده و در سفر اخیر دونالد ترامپ به عربستان، دور تازه‌ای از فروش تسلیحات را اعلام کرد. با اینکه دولت اوپاما، حملات هوایی و پهبادی ایالات متحده علیه القاعده در جزیره العرب را متوقف کرده بود، دولت ترامپ این کارزار را گسترش داد تا هدف قرار دادن رهبران میان‌رده ارتش چریکی این سازمان را هم در این برنامه بگنجانند. پنتاگون در ۲۹ ژانویه در عملیات ویژه به یکی از مقرهای القاعده در جزیره العرب یورش برد و دست‌کم یک حمله دیگر در ماه مه هم انجام شده است که از اولین عملیات‌های گزارش شده با حضور نیروهای ایالات متحده از سال ۲۰۱۴ هستند.

واشنگتن برای حفظ فشار بر روی القاعده در جزیره العرب و پرداختن به نگرانی‌های امنیتی ناشی از جنگ پیچیده و با حضور طرف‌های متعدد باید:

شکست القاعده در جزیره العرب را اولویت اصلی خود قرار دهد. دولت ترامپ باید حملات هوایی، حملات پهبادی و عملیات‌های ویژه علیه رهبران القاعده در جزیره العرب را شدت بخشیده و در عین حال برای ایجاد محیطی نامساعدتر برای تروریست‌های فراملی، تلاش کنند. همچنین باید آموزش‌های بیشتری در اختیار نیروهای ضدتروریسم عربستان سعودی، امارات متحده عربی و یمن گذاشته و در هدف قرار دادن القاعده در جزیره العرب همکاری نزدیکی با آنها داشته باشد.

با این حال، تلاش‌های نظامی باید با تلاش‌های دیپلماتیک برای تغییر وضعیت سیاسی یمن تقویت شوند. حکومت یمن برای مقابله با نیروهای جدایی‌طلبان جنوب و نیروهای حوثی-صالح، به‌طور ضمنی با القاعده در جزیره العرب همکاری تاکتیکی داشته است. برای نمونه، القاعده در جزیره العرب در نبرد با نیروهای حوثی در شهر تعز در مرکز یمن نقش مهمی ایفا کرده و با هماهنگی دقیق با تشکیلات ابو عباس، یک گروه شبه‌نظامی سلفی تحت حمایت ائتلاف کشورهای عربی، دست به عملیات زده‌اند.

ایالات متحده برای جلوگیری از همکاری حکومت با القاعده در جزیره العرب باید به سیاست چماق و هویج متوسل شده و از مخالفت طایفه‌ای با القاعده در جزیره العرب حمایت کند. برای نمونه، طایفه‌هایی در استان شبوه در شرق یمن برای

پیشگیری از حملات هوایی ایالات متحده به قلمرو قبیله‌ای خود علیه القاعده در جزیره العرب بسیج شدند. همچنین واشنگتن باید با عربستان سعودی و امارات متحده عربی همکاری کند تا بتواند نظام قبیله‌ای متلون یمن را در مسیر مطلوب‌تری قرار دهد. سازمان سیا باید تلاش‌ها برای ارتباط با رهبران قبیله‌ای را هماهنگ کرده و باید برای همراهی آنها جهت مخالفت با القاعده در جزیره العرب مشوق‌های مالی فراهم سازد. القاعده از عدم تمایل پیوسته این رهبران برای حمایت از حکومت یمن علیه خود نفع برده است.

مهار و دفع نفوذ ایران

ایران، منازعه یمن را به‌عنوان ابزاری مناسب جهت غافلگیری و تضعیف عربستان سعودی، دشمن اصلی عرب خود، تلقی می‌کند. تهران همچنین ممکن است تلاش کند تا دست و پای نیروهای عربستان سعودی و شورای همکاری خلیج فارس را در یمن ببندد تا توانایی آنها را برای مداخله در سوریه علیه رژیم اسد که متحد ایران است، تضعیف کند. حضور نظامی ایران در یمن، خصوصاً در مقایسه با مداخله بسیار گسترده عربستان سعودی، نسبتاً محدود است. ایران با سلاح، آموزش، تخصص فنی و تأمین بودجه از حوثی‌ها حمایت می‌کند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در ایران و یمن به آموزش و تعلیم جنگجویان حوثی پرداخته‌اند.

از نظر ایران، حوثی‌ها نه‌تنها نیروهای تحت‌امر بلکه متحدانی سودمند نیز هستند. نارضایتی منطقه‌ای محرک و انگیزه اصلی حوثی‌ها در جنگ داخلی یمن بوده است. آنها شیعیان زیدی هستند و با شیعیان اثنی‌عشری ایرانی متفاوت هستند، هرچند نگاه اسلامی شیعی رادیکالی به جهان دارند. تهران ممکن است برای ایجاد جناح افراطی‌تری از حوثی‌ها که نرمش بیشتری در برابر ایران داشته باشد، به جذب نیرو پردازد، دقیقاً همان‌طور که برای ایجاد حزب‌الله افراط‌گراتر، عناصر جنبش امل در لبنان را به خدمت گرفت.

دولت ترامپ باید به تلاش‌های نظامی ائتلاف کشورهای عربی برای بازگرداندن حکومت دارای مشروعیت بین‌المللی یمن به قدرت کمک کند، اما باید از اعزام نیروهای زمینی ایالات متحده به منازعه‌ای بن‌بست و بی‌پایان خودداری کند. واشنگتن باید حمایت اطلاعاتی فزاینده، پهبادهای شناسایی و پشتیبانی‌های لجستیکی خود را در اختیار ائتلاف عربی گذاشته و برای رهگیری و توقف کشتی‌هایی که محموله‌های تسلیحات ایران را به ساحل یمن قاچاق می‌کنند، از گشت‌های نیروی دریایی استفاده کند.

واشنگتن باید برای کمک به عربستان سعودی در دفاع از مرزهای خود با یمن، فن‌آوری، تجهیزات و آموزش در اختیار نیروهای امنیت مرزی این کشور بگذارد. حوثی‌ها به حملات برون‌مرزی دست زده‌اند که باعث تلفات سنگین در نیروهای دفاع شهری و شهروندان عربستان سعودی شده است.

حفاظت از مسیرهای دریایی منتهی به سواحل یمن

بدون شک، اگر نگوئیم که ایران حملات موشکی ناموفق ۹ و ۱۲ اکتبر ۲۰۱۶ علیه ناو یو.اس.اس میسون در نزدیکی تنگه باب المندب را انجام داده است، در حمایت از آن نقش داشته است. این موشک‌ها احتمالاً موشک‌های ضدکشتی سی-۸۰۲ نور بودند که ایران در اختیار حزب‌الله قرار داده است. حتی اگر نیروهای حوثی-صالح قادر به پرتاب موشک‌های قدیمی‌تر سی-۸۰۱ بودند که اساساً بر روی قایق‌های موشکی یمن به کار گرفته می‌شدند، استفاده از سیستم‌های راداری زمینی از حمایت فنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا حزب‌الله حکایت دارد. حوثی‌ها منکر انجام هرگونه حمله موشکی شدند، اما مسئولیت حمله ۱ اکتبر ۲۰۱۶ به یک ناوچه نیروی دریایی امارات متحده عربی و همچنین بمب‌گذاری انتحاری ناو جنگی سعودی در فوریه ۲۰۱۷ را بر عهده گرفتند.

با اینکه حوثی‌ها چندان تمایلی ندارند که خطر تلافی نظامی ایالات متحده را به جان بخرند، ایران انگیزه بیشتری دارد که برای نمایش توانایی خود در ایجاد اختلال در رفت و آمد کشتی‌ها در تنگه باب المندب که یکی از گذرگاه‌های دریایی کلیدی است، به حملات موشکی دست بزند. این توانایی، قدرت دردسر آفرینی ایران را بالا برده و اهرم فشار بالقوه این کشور علیه ایالات متحده و متحدان آن را افزایش می‌دهد.

واشنگتن و متحدان آن در ناتو و شورای همکاری خلیج فارس باید برای جلوگیری و دفاع در برابر حملات احتمالی آینده، گشت‌های دریایی در نزدیکی این تنگه را افزایش دهند. اگر حمله دیگری انجام شود، پنتاگون باید سایت‌های راداری دخیل را نابود کند، همان‌طور که بعد از حمله به یو.اس.اس میسون به این کار مبادرت ورزید، همچنین باید فهرست اهداف خود را گسترش دهد تا طرف‌های مسئول -نیروهای حوثی-صالح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و/یا حزب‌الله- را در موضعی به شدت ضعیف قرار دهد.

فشار برای حصول یک توافق سیاسی

نه اتحاد حوثی‌ها-صالح و نه حکومت هادی هیچ یک توانایی دستیابی به یک پیروزی نظامی قاطع در این جنگ فرسایشی را ندارند. منازعه و درگیری یمن هرچه بیشتر طول بکشد، القاعده در جزیره العرب از این آشوب نفع بیشتری می‌برد و حوثی‌ها وابستگی بیشتری به حمایت ایران پیدا خواهند کرد. دولت ترامپ باید از نفوذ دیپلماتیک خود برای حصول توافقی سیاسی استفاده کند که بتواند به جنگ پایان داده، نیازهای امنیتی سعودی‌ها را برطرف کند، جلوی فاجعه انسانی را بگیرد و به جناح‌های یمنی و ائتلاف کشورهای عربی امکان دهد که بر مبارزه با القاعده در جزیره العرب تمرکز بیشتری داشته باشند.

سازمان ملل متحد میزبان و حامی گفتگوهای صلح بوده است، اما مذاکرات بین حکومت هادی و اتحاد حوثی-صالح به بن‌بست رسیده است. در اینجا یک چارچوب سیاسی غیرمتمرکز فدرالی لازم است که به نخبگان محلی، خصوصاً در مناطق جنوبی و دیگر نواحی عمدتاً سنی‌نشین، قدرت و منابع لازم برای حل و فصل نارضایتی‌های بدخیم منطقه‌ای را

بدهد. یمنی‌های جنوب اگر به حساب آورده نشوند، احتمالاً اعلام استقلال کرده و آنچه از حکومت چندپاره یمن باقی مانده، بیش از پیش تضعیف خواهد شد.

راهی برای خروج از لانه مار

القاعده در جزیره العرب و ایران، یمن را راهی پنهان برای براندازی عربستان سعودی تلقی می‌کنند. دولت ترامپ باید به ریاض کمک کند که بدون درگیر کردن ایالات متحده در یک جنگ زمینی بی‌پایان، جلوی آنها را بگیرد. واشنگتن باید کارزارهای نظامی در افغانستان، عراق و سوریه را در اولویت قرار داده و در عین حال به متحدان خود در یمن، خصوصاً از طریق استفاده از نیروی هوایی و دریایی، کمک کند.

در نهایت، بازگرداندن ثبات به لانه مار یمن، نیازمند قدرت دیپلماتیک و اقتصادی قابل‌ملاحظه همراه با کمک‌های بشردوستانه و اصلاحات سیاسی، مدت‌ها به تعویق افتاده است. ایالات متحده می‌تواند کمک‌های ضدتروریستی، حمایت دیپلماتیک و کمک‌های بشردوستانه در اختیار بگذارد اما یمنی‌ها و دیگر متحدان عربی آنان باید ابتکار عمل در جبهه‌های دیگر را خود به دست بگیرند.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این گزارش از لینک دانلود زیر استفاده کنید.